

### متن پرسش

سلام به استاد بزرگووارم: از آنجا که استاد را یک بصیر نسبت به زمانه خود می‌دانم و تحلیل‌های تاریخی استاد را بسیار ارزشمند می‌دانم، خواستم نظر استاد را از برداشت تاریخی این حقیر جویا شوم. اگر در تاریخ این چندین ساله تا به امروز سیری کنیم این طور به نظر می‌آید که انگار زمانه دارد پیوسته به سویی می‌رود که بشر را هر چه بیشتر از مقام نظاره‌گر بودن نسبت به وقایع و رخداد‌های مهم در جهان، به موضع‌گیری و صف‌بندی‌های کاملاً متمایز سوق می‌دهد. و جنایت وحشیانه و هولناک بمباران بیمارستان غزه باز نقطه عطفی شد که دوباره این صف‌بندی بین شر مطلق و جبهه حق بیشتر از همدیگر متمایز شود و هر چه پیش می‌رویم نظاره‌گران در صحنه وقایع جهانی بدون آنکه خود بخواهند محکوم به موضع‌گیری شفاف و صف‌بندی بین این دو جبهه می‌شوند به طوری که از تعداد نظاره‌گران در صحنه روزگار دارد هر روز کاسته می‌شود. از طرفی نوع وقایع و رخدادها به سمتی می‌رود که آن فضای مه‌آلود گذشته که باطل در ظاهر حق جلوه می‌کرد دارد از بین می‌رود. گویی خداوند دارد حجت را بر بشریت تمام می‌کند تا نوع بشر حق و باطل را آشکارا و بدون پرده بنگرد و با اختیار خود یکی را انتخاب کند. آیا شما فکر می‌کنید این سیر تاریخی ادامه پیدا می‌کند یا اینکه این پدیده تاریخی ادواری است و دوباره ممکن است تاریخ ما به همان دوره ای مه‌آلود برگردد و باطل لباس حق بر تن کند و تشخیص حق از باطل برای انسانهای نظاره‌گر دوباره دشوار گردد؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همه چیز حکایت از آن دارد که در فضای آخرالزمان ما با ظلمات نهایی و نور نهایی روبرو هستیم. و ساده نیست اگر آن مرد بصیر یعنی آیت الله امام موسی صدر فرمودند: «اسرائیل شرّ مطلق است. اسرائیل ضد اسلام، ضد مسیحیت، ضد ایمان، ضد قومیت عربی، ضد انسانیت و ضد میهن است. بدتر از اسرائیل در جهان وجود ندارد. ما اسرائیل را شرّ مطلق می‌دانیم. بدتر از اسرائیل در جهان وجود ندارد.» در این‌جا است که به خوبی روشن می‌شود باید چهره اسرائیل و همه جریان‌هایی که به نحوی به آن منتسب هستند، به ظهور آید تا معنای تقوای نهایی که مقابله جدی با اسرائیل است، پیش آید و این تاریخی است که بحمدالله شروع شده تا هر کس جای و جایگاه خود را مشخص کند. در این مورد عرایضی تحت عنوان «طوفان الاقصی و نظر به آینده‌ای دیگر» شده است. به امید آن‌که در مجموع، ما را متوجه این امر مهم بنماید که در این «فتح تاریخی» هزینه‌هایی باید داد بسی بزرگ، تا به نتیجه نهایی و بزرگ نایل شویم. موفق باشید

باید از خود پرسید: این جنگ که با طوفان الاقصی شروع شده، قرار است به کجا ختم شود؟

نظر به نفی موجودیت کلی اسرائیل

۱. اگر شما می‌نگرید که صهیونیسم با شدت تمام برای قتل عام مردم غزه به میدان آمده است، آیا این حکایت از آن ندارد که طوفان الاقصی تمام موجودیت صهیونیسم را تهدید می‌کند؟ به همان معنایی که رهبر بصیر انقلاب اسلامی در ملاقات با جناب شیخ زکزاکی رهبر شیعیان نیجریه فرمودند: «شهادت زنان و کودکان و مردان، دل انسان را مجروح می‌کند اما بخش دیگری از این قضایا نشان دهنده قدرت باور نکردنی اسلام در فلسطین است و با لطف و عنایت خداوند متعال این حرکتی که در فلسطین آغاز شده است، به پیش خواهد رفت و منجر به پیروزی کامل فلسطینی‌ها خواهد شد.» از این جهت باید به آینده دیگری فکر کرد که حتی آمریکا و اروپا مجبورند در معنای خود و در روش خود و در نگاه خود به دیگر ملل تجدید نظر کنند. این است هنر زمان شناسی که در امروزان فردا را نظاره کنیم.

چرا اسرائیل آینده ندارد؟

۲. ملاحظه کنید که یک گروه و نه یک ارتش، وارد سرزمینی می‌شود که رهبرانش خود را، هم جزو چهار ارتش بزرگ دنیا بدانند و هم جزو بهترین‌ها در حوزه اطلاعاتی و امنیتی. از آن سو، بزرگ‌ترین قدرت‌های نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی جهان نیز که به شکل نامحدودی حامی آن هستند موجودیت آن را موجودیت خود بدانند و از هیچ کمکی، تأکید می‌شود از هیچ کمکی به آنها دریغ نکنند. این گروه در همان ساعات نخست آغاز عملیات ترکیبی خود ۴۰ کیلومتر به عمق این سرزمین نفوذ کند، همان روز اول هزاران تلفات و اسیر و زخمی بگیرد. کار را به جنگ نامنظم شهری بکشاند و درجه‌داران و ژنرال‌های نام‌آوری را به هلاکت برساند یا از رختخواب‌های اتاق خواب‌شان بیرون بکشد، با توجه به این امر، آینده این کشور جعلی یعنی اسرائیل چگونه خواهد بود؟

چرا مجبور شدند تلفات خود را اعلام کنند؟

۳. یک جست‌وجوی ساده اینترنتی در منابع رسمی، قدرت و نفوذ و تاثیرگذاری صهیونیست‌ها در حوزه رسانه را دستگیرتان می‌کند. تصویربرداری از جزئیات عملیات‌ها، هلاکت صهیونیست‌ها، به اسیری گرفتن آنها و انتشار همزمان و بعضاً «برخط» فیلم‌ها و تصویرها دیگر چاره‌ای برای صهیونیست‌ها باقی نگذاشت و آن‌ها را - برخلاف میل‌شان- به تغییر تاکتیک قدیمی‌شان یعنی از «سانسور تلفات» به «مظلوم‌نمایی» واداشت.

با اسلحه و حيله نمی‌توان کشورداری کرد

۴. می‌بینیم، صهیونیست‌ها از «حمله زمینی» و «اعزام ناوها و جنگنده‌های استراتژیک آمریکا» رسیده‌اند به «قتل زنان و کودکان» و ریختن چند ده هزار تن بمب ممنوعه و غیرممنوعه و فسفر سفید بر سر باریکه‌ای که ۹۰ درصد جمعیت دو میلیونی آن، غیرنظامی‌اند!

آیا با این نوع اعمال یعنی با قدرت پول و حيله و سلاح و کشتار، می‌شود برای همیشه ملت‌سازی و کشورسازی کرد.

تله بزرگ غزه برای صهیونیست‌ها

۵. طوفان‌الاقصى یک نقطه عطف تاریخی و فصل‌نویسی در مقاومت فلسطین، بلکه مقاومت جهان اسلام و حتی دنیا است، زیرا مختصات و مؤلفه‌هایی دارد که آن را از دیگر عملیات مشابه در قبل متمایز می‌کند، مختصاتی که جبهه مقاومت از مرز دفاع به میدان حمله وارد شده است.

این یعنی تزلزل در ادامه اسرائیل

۶. آلون بن دیوید، تحلیلگر امور نظامی نیز در مطلبی که در روزنامه عبری معاریو منتشر شد، ضمن تأکید بر قدرت مقاومت فلسطین و غزه گفت: «حماس، حزب‌الله و ایران می‌بینند که چگونه دولت [نتانیاها] در حال برچیدن پایه‌های قدرت اسرائیل است.» و این یعنی تزلزل در ادامه اسرائیل.

اتحاد بین نیروهای غزه با کرانه باختری

۷. تاکنون رژیم صهیونیستی تلاش زیادی کرده تا نبردهای غزه را از کرانه باختری جدا کند، اما جهاد

اسلامی و سایر گروه‌های فلسطینی با هوشیاری و حفظ اتحاد خود در صدد بازکردن جبهه‌های مقاومت فلسطین در شهرهای کرانه باختری بودند که اولین نشانه‌های آن با عملیات مختلف در شهر جنین پدیدار شد و عملیات پس از آن نشان داد که گروه‌های مقاومت در کرانه باختری مصمم به ادامه همان مسیری هستند که غزه آغازگر آن بوده است.

شهادت‌ها، تصمیم را عمیق‌تر می‌کند

۸. در جریان جنگ ۱۱ روزه سال ۱۳۹۳ش / ۲۰۱۴م، رژیم صهیونیستی به جرم دفاع فلسطینی‌ها از خودشان در برابر تجاوزات اسرائیل، به مدت دو هفته منطقه غزه را زیر بمباران گرفت، بیش از ۹۰۰۰ منزل ساکنان غزه به همراه ۱۳۰ مدرسه، ۲۴ ساختمان پزشکی و سه مجموعه نگهداری اطفال و معلولان وابسته به سازمان ملل را ویران کرد و بیش از ۲۰۰۰ نفر از مردم غزه را به شهادت رساند و چندین برابر آن را مجروح نمود و پس از آن هم محاصره این منطقه که از سال ۱۳۸۸ / ۲۰۰۹ شروع کرده بود را تشدید نمود.

بی‌حاصلی تحریم و محاصره در مسیر مقاومت توحیدی

۹. طوفان‌الاقصى ثابت کرد تحریم، محاصره و سرکوب مداوم غزه، سبب ضعف جبهه مقاومت نمی‌شود، بلکه به روحیه و عزم مقابله آنان با تجاوز افزوده می‌گردد. بنابراین عملیات طوفان‌الاقصى یک اقدام اساسی اولیه در موازنه نظامی و امنیتی میان دو طرف است و البته این گام لازم و نه کافی برای آزادی نهایی است.

گذار از نظم جهانی کهنه

۱۰. طوفان‌الاقصى، یک جنگ معمولی نیست. بلکه بخشی از تحولات مربوط به گذار از نظم جهانی کهنه به نظم عادلانه تر و متکثرتر است. طرف بازنده این تحولات که منطقه ای وسیع از تایوان در

شرق آسیا تا اوکراین در شرق اروپا، و فلسطین و سوریه و لبنان در غرب آسیا را شامل می شود، جز آمریکا و اسرائیل و انگلیس نیست.

تغییر معادلات قدرت

۱۱. به نظر می آید در رابطه با آنچه این روزها در جبهه مقاومت از طریق فلسطین پیش آمده خبر از آن می دهد که جهان دیگری در این تاریخ مقابل ما در حال ظهور است، جهانی که دیگر نه تنها جهان اسرائیل، بلکه جهان جریان استکباری، دیگر امکان ادامه خود را ندارد و عملاً معادلات قدرت در حال تغییر است.

حضور در تاریخی که در حال حضور است

۱۲. باید از خود پرسید با توجه به آنچه جبهه مقاومت در این روزها در مقابل اسرائیل پیش آورده، ما در کجا ایستاده ایم؟ و خصوصیات و سابقه این حضور را تا کجا می دانیم؟ همچنان که ما باید نسبت به جبهه مقابل بیندیشیم که سابقه آن جبهه کجاست و تا کجا می تواند خود را ادامه دهد. در این حالت می توانیم متوجه شویم تاریخی در راستای ادامه انقلاب اسلامی در جهان اسلام در حال ظهور است و ما باید جایگاه خود را نسبت به این تاریخ معلوم کنیم.

اصیل ترین اندیشه

۱۳. آیا متوجه هستیم، سنت های جاری در عالم که پایدارترین بنیادها و در عین حال، در دوردست ها جای دارند؛ چه اندازه می تواند مبنای تفکر و تحلیل ما در تقابلی که در رخداد طوفان الاقصی پیش آمده است، باشد؟ این نوع توجه، اصیل ترین اندیشه را به میان می آورد.

برکات درک سنت های الهی

۱۴. آیا در صحنه های تجاوزی بس سنگین که رژیم صهیونیستی در مقابل مردم فلسطین پیش آورده، به حق حیات برای مردم فلسطین در سنت الهی اندیشیده ایم؟ یا گمان می کنیم اسرائیل به جهت قدرتی که دارد، پیروزی را نیز صاحب می شود؟ کافی است متوجه حضور فعال سنت های الهی باشیم تا معنای آینده مردم مبارز فلسطین را فهم کنیم. این است بصیرتی که با درک سنت های جاری الهی برای انسان پیش می آید.

مقابله با ایران، عین حضور در جبهه اسرائیل

۱۵. در رخداد طوفان الاقصی آنچه ما را به اندیشه دعوت می کند، چیزی نیست جز آن که جایگاه جریان ها روشن و روشن تر می شود تا معلوم شود اپوزیسیون مقابل ایران در واقع فرزندان اسرائیل بوده اند و این هشدار باشی است جدی تا به کلیت جریان ها بیندیشیم و نه به ضعف ها و قوت های جزئی. زیرا به خوبی روشن شد مقابله با نظام اسلامی ایران، عین حضور در جبهه اسرائیل است.

آینده فوق تصور

۱۶. آیا نظر به موشک های امروز مبارزان فلسطین فریاد مظلومیتی نیست که سنت خدا در دل آن مظلومیت، سنگ های دیروزین را به موشک های امروزین تبدیل کرد؟ تا معلوم شود در مسیر توحید

«يُعْجِبُ الزَّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»

(فتح/۲۹)، در آن صورت همانانی که راهی را در مسیر سنت‌های الهی شروع کردند در همان مسیر با امری بس بزرگ روبرو شدند که خودشان نیز تصور آن را نمی‌کردند و این وعده الهی است برای هر آنکس که ایمان به خدا و سنت‌های الهی دارد و مطابق امر الهی عمل می‌کند. این یعنی حضور در آینده ای فوق تصور.

جایگاهی برای تفکر

۱۷. در تقابلی که با رخداد طوفان الاقصی پیش آمده است، اگر کسی همچنان جبهه حق را در این زمانه نشناخته است، بداند که جای دیگری برای اندیشه و تفکر تاریخی وجود ندارد تا خود را در آن جا معنا کند، هرچند علامه دهر باشد.

جایی برای فهم فریب سایبری

۱۸. فهم حیل‌های جنگ سایبری تنها با تشخیص و تعیین ملاک حقانیت فلسطین و باطل بودن اسرائیل ممکن است. این جا است که می‌توان با تعیین مرزها به شفاف‌ترین شکل، فریب حیل‌های سایبری را به خوبی درک نمود.

عبرتی بزرگ

۱۹. چهره وحشی تمدن غربی در آینه اسرائیل و امید برای وارونه نشان دادن حقیقت به کمک رسانه، امری است که ما در امروز خود می‌توانیم به عبرت بزرگی نایل شویم به همان معنایی که خداوند در قرآن در مورد یهودیان فرمود: «هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ» (حشر/۲)

غفلت بزرگ

۲۰. طوفان الاقصی، حکایت فروپاشی هژمونی و حضور همه‌جانبه اسرائیل شد تا معلوم شود اسرائیل چگونه ضربه‌پذیر است به همان معنای پیروزی «خون بر شمشیر». و غفلت از کلیت این دو صحنه، غفلت از حضور در تاریخی است که در مقابل ما گشوده شده است و در این زمانه این غفلت بزرگی است.

معنای پیروزی «خون» بر «شمشیر»

۲۱. آیا جز این است که به گفته حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» مقابله ملت فلسطین با اسرائیل، ظهور انرژی نهفته همه مسلمانان است که از طریق مجاهدان فلسطینی به میان آمده و به گفته حضرت امام: «شکی نیست که این آوای الله است، این همان فریاد ملت ماست، فلسطین راه گم‌کرده خود را از راه برائت ما یافت و لذا خون بر شمشیر پیروز شد.» امری که عامل حضور در تاریخ دیگری می‌شود. آیا حکایت طوفان الاقصی همان حکایت پیروزی «خون» بر «شمشیر» نیست که

شهادت، مرحله‌ای از مبارزه و پیروزی است؟

سرفصلی برای تجدید نظر

۲۲. طوفان الاقصی، سرفصلی خواهد شد برای آن که جهان متوجه باشد باید نسبت به امکانات خود تجدید نظر کند، به همان معنایی که مبارزان غزه توانستند از دیوارهای بتونی عبور کنند و در زیر زمین کارگاه موشک‌سازی بنا نمایند.

برکات امید به رحمت الهی

۲۳. اگر اسرائیل به گمان خود سازمان آزادی‌بخش فلسطین را به جایی رساند که آن سازمان در پیمان «اسلو» اسرائیل را به رسمیت شناخت، حال با نظر به انقلاب اسلامی ما در غزه با حرکتی روبه‌رو هستیم که با امید به رحمت الهی بنا دارد معنای جدیدی از توسعه و انسانیت انسان به میان آورد و این با نابودی اسرائیل پیش می‌آید، به معنای نابودی جریانی که در غرب هیچ محدودیتی برای اسرائیل قائل نبود.

معنای «به خود وا گذاشتگی»

۲۴. آیا تا کنون از خود پرسیده‌ایم راز معجزه غیر قابل پیش‌بینی مقاومت در چیست؟ در این مورد خوب است به جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی فکر کنیم، راهی که گشودگی آن در دل حضور در آن پیش می‌آید، در مقابل جبهه‌ای که تنها با محاسبات مادی آینده خود را پیش‌بینی و خود را معنا کرده است و روشن شد که این یعنی «به خود وا گذاشتگی» که عین بی‌ثمری است. والسلام.